

در مجله کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۷۷ (اسفند ۱۳۸۲)، مقاله‌ای زیر عنوان «تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی» درج شده بود که در حقیقت، نقدی است بر کتابی به همین نام از استاد گران قدر، دکتر علی اصغر حلبی.

از آنجا که این جانب نیز سال‌هاست به تدریس این کتاب مشغول هستم، همچون نگارنده محترم مقاله مذکور، در ضمن تدریس آن، به اشکالاتی برخورد کردم. باتوجه به این که در این مقاله مفید، برخی اشکالات گفته شده و برخی نیز ناگفته باقی مانده، بر آن شدم برای رفع کاستی‌های موجود در چاپ‌های آتی کتاب و در تکمیل مقاله دکتر خالقی‌را، برخی موارد نانوشتته را بنویسم:

۱. ص ۱۹: در شرح و تفسیر آیه ۳۱ سوره مبارکه رعد، مؤلف براساس نظر ابوالفتوح رازی در *روض‌الجنان*، محذوف آیه شریفه را «لکان هذا القرآن» گرفته است. باتوجه به این که محذوف آیه شریفه، مورد اختلاف است، بهتر آن بود برای آشنایی هر چه بیشتر دانشجویان، وجوه دیگر نیز گفته شود. زیرا بسته به این که محذوف آیه چه باشد، نتیجه حاصل از آن متفاوت خواهد بود. تفسیر *المیزان*، محذوف فوق‌الذکر را نمی‌پذیرد و می‌گوید: «و این که بعضی‌ها گفته‌اند جزء (لو) که حذف شده، چیزی نظیر این است که بگوییم «هر آینه این قرآن است» و مقصود بیان عظمت شأن قرآن، این معنا با سیاق آیات به بیانی که گذشت، مساعد و سازگار نیست و مخصوصاً با جمله «بل الله الامر جمیعاً» و همچنین جمله بعدی: «افلهم یأس الذین آمنوا ان لو یشاء الله لهدی الناس جمیعاً» هیچ نمی‌سازد.» (*المیزان*، ج ۱۱، ص ۵۷۸)

علامه طباطبایی معتقد است که آیه شریفه، در مورد ایمان نیابردن کافران است و محذوف آن را به استناد آیه ۱۱۱ سوره مبارکه انعام، «ماکانوا لیؤمنوا الا ان یشاء الله» می‌داند. ضمناً لازم است این نکته نیز افزوده گردد که در این قسمت، علاوه بر افتادگی از متن آیه، شماره سوره و شماره آیه، به ترتیب باید به ۱۳ و ۳۱ اصلاح شود.

۲. ص ۲۴: برای تقسیم‌بندی آیات قرآنی، عنوان «اقسام قرآن» به کار رفته که نارساست و بهتر است به عبارت «اقسام آیات قرآن» اصلاح گردد.

۳. ص ۲۷: در تقسیم‌بندی شیوه‌های تفسیر قرآن، دو قسم «تفسیر به نقل و احادیث» و «تفسیر به عقل و رأی» آورده شده است. در حالی که شیوه سومی نیز در تفسیر قرآن وجود دارد و آن، شیوه تفسیر قرآن به قرآن است.

۴. در بحث «شماره» و «التفات» هیچ مثالی از ادب فارسی اعم از شعر یا نثر که متضمن اشاره یا التفات به آیه یا حدیثی باشد آورده نشده است.

۵. ص ۶۰: تضمین به عنوان یکی از شیوه‌های کاربرد آیات و احادیث در ادب فارسی مطرح شده است؛ بدون آن که مؤلف مثالی برای آن ذکر کند. تنها موردی که در این کتاب، به کلمه «تضمین» در خصوص آیه‌ای برخورد کردم، ذیل نام نظامی است در نخستین بیت مخزن‌الاسرار:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

هست کلید در گنج حکیم

اما همان‌گونه که در پاورقی، به نقل از مطول آورده شده، تضمین به معنی استفاده از شعر شاعری در اثنای شعر دیگری است و کاربرد آیه یا حدیث، تضمین خوانده نمی‌شود. علاوه بر مطول، سایر منابع نظیر *ترجمان البلاغه* رادویانی، *فنون بلاغت و صناعات ادبی* همایی، *مختصر المعانی* و... نیز بر همین عقیده‌اند. لذا پیشنهاد می‌کنم این بخش از کتاب حذف شود و در بیت مذکور از *مخزن‌الاسرار*، کلمه تضمین به اقتباس تغییر یابد.

ضمناً در صفحه ۶۲ ذیل عنوان «تضمین در قرآن»، از قول ابن ابی الاصبیح، تضمین‌های قرآن را فقط به دو مورد - سوره فتح آیه ۲۹ و سوره مائده آیه ۴۵ -

نقد کتاب

تأملی دیگر در کتاب «تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی»

دکتر ناهیدسادات پزشکی*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
رتال جامع علوم انسانی

محدود کرده است. جا داشت نویسنده با ذکر سایر موارد تضمین در قرآن کریم، گفته مذکور را اصلاح می‌کرد. مثلاً در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء از زبور داوودی بدین گونه تضمین شده است: من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون.

ع ۶ ص ۱۰۴، شماره ۷: متن آیه ۲۵ سوره مبارکه یوسف، به گونه‌ای آورده شده که با قرآن متفاوت است. در این آیه شریفه، فعل «قَدَّت» به صورت مجهول (قَدَّت) نوشته شده و بالطبع اعراب کلمه «قَمِیصَه» بنا بر نیابت فاعل، به رفع تغییر یافته و به صورت مجهول نیز ترجمه شده است: «پیراهن یوسف از پشت در دیده شد.»

به چندین ترجمه از قرآن مجید مراجعه کردم و در همه موارد، متن آیه به شکل زیر آمده است: وَ قَدَّتْ قَمِیصَه مِنْ دُبُرٍ.

ضمناً در این بخش، در آیه هجدهم از همین سوره کلمه کَذَب، کَذَبَ نوشته شده که ظاهراً ناشی از اشتباه چاپ است.

۷. ص ۱۱۱: در ترجمه آیه ۱۷ سوره مبارکه رعد، «جُفَاء»، «شتابان» ترجمه شده است. در حالی که این کلمه در قاموس قرآن، به معنی «کنار افتاده» آمده است و آیه شریفه را چنین ترجمه می‌کند: «اما کف در حالی که کنار افتاده است،

نابود می‌شود، اما آن چه به مردم سود می‌دهد، در زمین می‌ماند.» (قاموس قرآن، ذیل همین ریشه)

در تفسیر المیزان نیز به همین صورت ترجمه شده است.

۸. ص ۱۱۵، شماره ۱۰: در این بیت از فردوسی، تلمیحی قرآنی وجود دارد که نوشته نشده است:

ور از جوی خلدش به هنگام آب
به بیخ انگبین ریزی و شهد ناب
تلمیح به آیه ۱۵ سوره مبارکه محمد (ص):
فَیْهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَیْرِ اَسْنٍ وَ اَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ یَتَغَیَّرْ
طَعْمُهُ وَ اَنْهَارٌ مِنْ حَمَرٍ لَبَنٌ لِّلشَّارِبِیْنَ وَ اَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ
مُصَفًّی

۹. ص ۱۲۴: در بند دوم از این صفحه، از احاطه ناصر خسرو به اخبار و احادیث نبوی سخن گفته شده و سپس زیر عنوان «اینک چند نمونه»، به آوردن شواهد این مطلب پرداخته، اما در شماره‌های ۸ و ۱۰ از موضوع خارج شده و بر سر آوردن آیات قرآنی بازگشته است. در صفحه ۱۷۷ (نظامی)، ذیل عنوان «تأثراتی از حدیث» همین اشکال دیده می‌شود و در شماره‌های متعددی به آوردن آیات پرداخته شده است.

۱۰. ص ۱۳۴، شماره ۳: در آیه ۷ سوره مبارکه نحل، برای روشن شدن فاعل «تَحْمِلَ» عبارت (ای الاتعام) در متن آیه افزوده شده است. طی چند سالی که به تدریس این کتاب مشغولم، در بسیاری موارد، دانشجویان دچار اشتباه شده و با حذف پراتز، این کلمه را به اصل آیه اضافه می‌کنند. بهتر است این کلمه از متن آیه حذف شود و به آوردن معادل فارسی آن در ضمن ترجمه اکتفا گردد. همین مطلب در صفحه ۱۴۵ در آیه ۲۳۳ سوره مبارکه بقره نیز دیده می‌شود.

۱۱. ص ۱۳۶، شماره ۶: در بیت:
برترین مایه مرد را عقل است

بهترین پایه مرد را تقوی است
نوشته شده: «اقتباس است از "أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللهُ الْعَقْلَ"». در حالی که معنی بیت، ارتباطی به حدیث مذکور ندارد و عقل مطرح شده در حدیث، عقل اول، یعنی نخستین

مرتبه آفرینش است و عقل مطرح شده در بیت، عقل جزوی است که انسان به وسیله آن، تدبیر کار و معاش خود می‌کند.

۲۱. ص ۱۴۵-۱۴۴، شماره ۶: در این بیت:

گفت کاین هر دو را همی آشام

«کل هنیئاً» که نیست بر تو حرام
نوشته شده: «دیگری اقتباس از آیه کلوا و اشربوا هنیئاً». باتوجه به تغییری که شاعر در کلمه کلوا داده است، باید به جای اقتباس، صنعت «حل» نوشته می‌شد.

۳۱. ص ۱۵۰: در شرح حال خاقانی آمده است:

«خاقانی با برخی از شاعران هم عصر خویش چون رشید و طواط (که خاقانی او را قذوة الحکما نامیده)، معارضه داشته است.»
خاقانی، رشید و طواط را قذوة الحکما نخوانده، بلکه مراد وی از قذوة الحکما در بیت زیر، عموی دانشمند او، یعنی کافی الدین عمر بن عثمان است:

حیات بخشادر خامی سخن منگر

که سوخته شدم از مرگ قذوة الحکما
فروغ فکر و صفای ضمیرم از عم بود
چو عم بمرم، بمرم آن همه فروغ و صفا

۱۴. ص ۱۷۴، شماره ۸: در این بیت:

امی گویا به زبان فصیح

از الف آدم و میم مسیح
به عنوان تلمیح، به آوردن آیه ۲ سوره مبارکه جمعه اکتفا شده است. جا داشت از آیات ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره اعراف یاد می‌شد که لفظ «الامی» به عنوان صفتی برای وجود مقدس حضرت ختمی مرتبت (ص) به کار رفته است:

الَّذِیْنَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَّ الْأُمِّیَّ (اعراف / ۱۵۷)

فَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِیِّ الْأُمِّیَّ (اعراف / ۱۵۸)

۵۱. ص ۱۷۶، شماره ۴۱: بیت زیر:

چنانش درنورد آرد سرانجام

که نتواند زدن فکرت در آن گام
به آیه ۱۰۴ سوره مبارکه انبیا تلمیح دارد:

یَوْمَ نَطْوِی السَّمَاءَ کَطِیِّ السَّجْلِ لِلْکَتَبِ.

۶۱. ص ۱۸۲، شماره ۱۲: بیت زیر:

رها کن غم که دنیا غم نیرزد

مکن شادی که شادی هم نیرزد
تلمیح دارد به آیه شریفه ۲۳ از سوره مبارکه حدید:
لِکَیْلَا تَأْسَوْا عَلٰی مَا فَاتَکُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَیَکُمْ.

۱۷. اشکالات متعددی در متن آیات از لحاظ اعراب‌گذاری، تغییر حروف و کلمات، اشتباه در نام و شماره سوره‌ها و اشتباه در شماره آیات مشاهده می‌شود که برای جلوگیری از اطالة کلام، از پرداختن به آن‌ها خودداری می‌کنم. امید است در چاپ‌های آتی، با دقت نظر در ویراستاری، این اشکالات برطرف گردد.

۱۸- کمبود برخی فهرست‌ها در پایان این کتاب، باید به مطالب فوق افزوده گردد؛ مانند فهرست آیات، فهرست احادیث، فهرست اشعار و...

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر

